

«یادداشت جناب نصرت الله بهره‌مند، چهارمین ولی امرالله»

دوستان ارجمند؛

ما خود را بهائیان حقیقی می‌نامیم، زیرا از صمیم قلب ایمان و اعتقاد داریم که آن چه حضرت بهاء الله مظهر ظهور کلی الهی و حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق فرموده‌اند، عین حقیقت می‌باشد و نهایتاً عالم انسانی چاره‌ای جز اطاعت و اجرای تعالیم ایشان و نظم اداری امرالله که هسته‌ی مرکزی نظم بدیع الهی است ندارد.

ما معتقدیم که حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا که مؤید و متمم و ملازم کتاب اقدس است، اصول کلی و عناصر اساسی جامعه بهائی را به نحوی بیان فرموده‌اند که انکار آن ممکن نیست:

«مادام که این نظم هنوز در مرحله طفولیت است، زنده‌ای که نفسی در ادراک کیفیتش به خطارود و یا از اهمیتش بکاهد یا مقصدش را دگرگون جلوه دهد. صخره‌ای که این نظم اداری بر آن استوار است مشیت ثابتة الهیة برای عالم انسانی در عصر حاضر است.»

(دور بهائی، صفحه ۹۵)

مرکزی که مبین کتاب است

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«اگر حصن حصین امرالله به قوهی میثاق محفوظ نماند در یک روز در بهائیان هزار مذهب پیدا شود؛ چنانچه در دوره‌های سابق حاصل شد؛ ولی در این دور مبارک محض صیانت امرالله که تفریق در بین حزب الله نشود، جمال مبارک روحی له الفداء به اثر قلم اعلی عهد و پیمان گرفت و مرکزی معین فرمود که مبین کتاب است و رافع اختلاف آن چه او بنگارد و بگوید مطابق واقع و در صون حمایت جمال مبارک از خطا محفوظ. مقصد از این عهد و میثاق رفع اختلاف از آفاق است.»

(منتخبات مکاتیب، جلد چهارم، صفحه ۱۶۵)

قسمت اول این بیان حضرت عبدالبهاء را بهائیان به دفعات در نوشته‌های کارگزاران مؤسسه‌ای که به غلط و بدون استحقاق خود را بیت العدل اعظم می نامند مشاهده نموده‌اند در حالی که مأخذ آن را به درستی برای خوانندگان مشخص نمی نمایند. آنان معنی عهد و میثاق را تحریف نموده و نمی خواهند که افراد به معنی حقیقی آن، یعنی آن طور که حضرت عبدالبهاء و شوقی افندی بیان فرموده اند پی برند.»

در بیان حضرت عبدالبهاء عهد و پیمان راجع به مرکزی است که مبین کتاب و رافع اختلاف است، مرکزی که در پایان الواح مبارک وصایای فرماید:

«نفسی راحق رائی و اعتقاد مخصوصی نه، باید کلّ اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند.»

مرکزی که رکن اول و اعظم است:

«این نظم بدیع از انظمه‌ی باطله‌ی سقیمه‌ی عالم ممتاز، در تاریخ ادیان فرید و بی‌مثیل و سابقه‌ی بنیادش بر دو رکن رکن استوار، رکن اول و اعظم رکن ولایت الهیه که مصدر تیین است و رکن ثانی بیت عدل اعظم الهی که مرجع تشریح است؛ هم‌چنان که در این نظم الهی تفکیک بین احکام شارع امر و مبادی اساسیه اش که مرکز عهد و میثاقش تیین نموده ممکن نه، انفصال رکنین نظم بدیع نیز از یکدیگر متمتع و محال.»

(توقیعات مبارکه ۱۹۴۵-۱۹۵۲، صفحه ۱۲۷)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

«باری از خصائص این دور حضرت بهاء الله که در دورهای سابق نبوده است، یکی این است که حضرت بهاء الله مجال اختلاف نگذاشت؛ زیرا در یوم مبارکش به اثر قلم اعلی عهد و میثاق گرفته و مرجع کل رایان فرموده و مبین کتاب را تصریح کرده و ابواب تأویل را مسدود نموده جمیع

باید شکر خدا کنند که در این دور مبارک کل را راحت فرموده و مجال تردد نگذاشته؛ لذا باید اطاعت و انقیاد نمود و توجّه تامّ داشت.»

(منتخبات مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد چهارم، صفحه ۱۶۹)

باید توجّه داشت که دور مبارک از هزار سال کمتر نخواهد بود. حفظ و صیانت دیانت بهائی و نتیجتاً وحدت عالم انسانی به وجود ولی امر الله و اطاعت از او بستگی دارد؛ حضرت عبدالبهاء به صراحت و روشنی این موضوع را بیان فرموده و جای شبهه ای نگذاشته اند:

«حسن متین امر الله باطاعت من هو ولی امر الله محفوظ و مصون ماند و اعضای بیت عدل و جمیع اغصان و افنان و ایادی امر الله باید کمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجّه و خضوع و خشوع را به ولی امر الله داشته باشند. اگر چنان چه نفسی مخالفت نمود مخالفت به حقّ کرده و سبب تشیت امر الله شود و علت تفریق کلمة الله گردد و مظهری از مظاهر مرکز نقض شود.»

(الواح و صایا، صفحه ۱۲)

نیز می فرمایند:

«باری ای احبّای الهی صریح کتاب الهی اینست که اگر دو نفس در مسأله ای از مسائل الهیه جدال و بحث نمایند و اختلاف و منازعه نمایند هر دو باطلند، حکمت این امر قطعی الهی اینست که در

میان دو نفس از احبای الهی جدال و نزاع نشود، به نهایت الفت و محبت با یکدیگر گفتگو کنند، اگر اندک معارضه‌ای به میان آید سکوت کنند دیگر طرفین تکلم نمایند و حقیقت حال را از مبین سؤال کنند این است حکم فاصل.»

(مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۳، صفحه ۳۳)

ولایت امرالله که آن همه در الواح و صایای مبارک حضرت عبدالبهاء به لزوم و تسلسل آن تأکید گشته و شوقی افندی اولین ولی امر دیانت بهائی در توقعات و پیام‌های خود حتی تا آخرین لحظات زندگی خود تداوم و استمرار آن را تا پایان دوران دیانت بهائی گوشزد ساخته و تأکید نموده است «**رکن اول و اعظم**» نظم بدیع حضرت بهاء الله است و نمی‌شود آن را از این دیانت حذف نمود و اولین ولی امر را متهم ساخت که بر خلاف دستور صریح و اکید حضرت عبدالبهاء در الواح و صایا که می‌فرمایند: «**باید ولی امرالله در زمان حیات خویش من هو بعدی را تعیین نماید تا بعد از صعودش اختلاف حاصل نگردد.**» جانشین خود را تعیین ننموده باشد.

در دیانت بهائی اولیاء امرالله افزون بر «**مرکز امر**» و «**مرجع کل**» و «**مبین کتاب**» و «**رکن اول و اعظم**»، ریاست و اداره‌ی دو مؤسسه‌ی دیگر نظم بدیع یعنی ایادی امرالله و بیت عدل اعظم را نیز به عهد دارند.

حضرت عبدالبهاء با دستور آکید خود و با استفاده از کلمه‌ی «باید» اولیاء امر الله را مقید و مکلف می‌سازند که در زمان حیاتشان جانشین خود را تعیین نمایند و به این ترتیب ادامه و تسلسل ولایت امر الله را تا پایان دوران دیانت بهائی تضمین می‌فرمایند، در الواح وصایا مقرر فرموده‌اند:

«باید ولی امر الله در زمان حیات خویش من هو بعدی را تعیین نماید تا بعد از صعودش اختلاف اصل نگردد.»

(الواح وصایا، صفحه ۱۳)

«نصرت الله بهره‌مند»